

## نهضت ترجمه متون علمی - فلسفی تمدن اسلامی به زبان لاتینی در اروپا

Movement of Scientific - philosophy translation of the Islamic civilization to Latina language in Europe

Hoseyn Kalbasi Ashtari \*

حسین کلباسی اشتری \*

**Abstract:**

چکیده:

*The role and share scientific and philosophical texts of Islamic civilization are not hidden with many researchers of the history of science and philosophy, at the West wake and scientific, rational and industrial awareness. During the eleventh to the thirteenth centuries AD, many of the scientific and philosophical works and writings of Muslims from Arabic language returned to Latina, and in this process even Greek's philosophical and scientific texts and resources and -in particular the philosophy of Aristotle - through the Muslim was introduced to West Latina world; it as such who admit some Western historians and scholars, if this historical event - Arabic translation movement to Latina - were also not happen, The Western world may have no knowledge with great capital Greek's knowledge.*

*On the other hand in the course of this movement, in addition to the Arabic translations of Greek works, many of Muslim scholar's description and interpretations find a way to Western world and in this way also many scientific difficulty and complexity are unraveled. This great scientific-cultural event's details and intricacy still is not completely clear and in this article only referred to the most important parts of it.*

**Keywords:** movement of Latina translation, translation office, plagiarism works, Muslim Spain, Kitab al-Ilal

نقش متون علمی و فلسفی تمدن اسلامی در بیداری و پیشرفت علمی، عقلی و صنعتی غرب، بر بسیاری از محققان تاریخ علم و حکمت، پوشیده نیست. در فاصله قرون یازدهم تا سیزدهم میلادی، انبوهی از آثار و نوشته‌های علمی و فلسفی مسلمانان از زبان عربی به زبان لاتینی برگردانده شد و در این فرایند حتی متون و منابع علمی و فلسفی یونانیان - به‌ویژه فلسفه ارسطو - نیز از طریق مسلمانان به دنیای غرب لاتینی شناسانده شد؛ به‌گونه‌ای که به اعتراف شماری از مورخان و اندیشمندان غربی، اگر این رویداد تاریخی - یعنی نهضت ترجمه عربی به لاتینی - اتفاق نمی‌افتاد، چه‌بسا دنیای غرب هیچ‌گاه با سرمایه عظیم دانش یونانی هم آشنا نمی‌شد. از سوی دیگر در جریان نهضت مذکور، علاوه بر ترجمه آثار یونانی از عربی به لاتینی، بسیاری از شروح و تفاسیر دانشمندان مسلمان نیز به دنیای غرب راه پیدا کرد و از این طریق نیز دشواری‌ها و پیچیدگی‌های علمی آن آثار با کوشش متفکران مسلمان مرتفع گردید. جزئیات و دقایق این رویداد بزرگ علمی - فرهنگی هنوز هم کاملاً روشن نیست و در این مقاله تنها به مهم‌ترین فقرات آن اشاره خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** نهضت ترجمه لاتینی، دارالترجمه‌ها، آثار منحول، کتاب العلال، اسپانیای مسلمان

\*- Professor, Department of philosophy, University of Allameh Tabatabaei.

\* استاد گروه فلسفه دانشگاه علامه طباطبایی

Hkashtari@yahoo.com

## مقدمه

کلاستر، ۱۹۸۲: ۲۶۴؛ سوازه، ۱۳۶۶: ۴۲۴).

در پی بوجود آمدن نهضت ترجمه و ظهور ترجمه‌ها، چهره فرهنگی و علمی اروپا کاملاً تغییر کرد. بسیاری از آثار یونانی که اصل آنها باقی نمانده بود، ولی ترجمه عربی آنها محفوظ بود، با ترجمه به لاتینی، دوباره در اختیار دانشمندان و محققان غربی قرار گرفت (حایک، همان: ۱۵/۹)؛ هرچند که پیش از این تاریخ، برای ترجمه مستقیم برخی متون یونانی به لاتینی، به‌ویژه بخشی از آثار افلاطون و ارسطو، تلاش‌هایی صورت گرفته بود و خصوصاً کسانی مثل بوئتیوس (۵۲۴-۴۸۰ میلادی) و ژان اسکات اریژن<sup>۳</sup> (۲۶۳-۸۷۷/۱۹۵-۸۱۰) سهم فراوانی در آن داشتند، ولی عمده آشنایی غربیان با اندیشه‌ها و آثار یونانیان، خصوصاً سنت ارسطویی، از طریق ترجمه عربی آن آثار بود (کاپلستون، ۱۹۷۶: ۲۱۱/۲-۲۰۵).

سیر نهضت ترجمه در غرب را، به‌ویژه از عربی به لاتینی، می‌توان چنین دسته‌بندی کرد:

۱. پیش از دوره بزرگ ترجمه: این دوره شامل فعالیت‌های ترجمه تا اوایل قرن ششم/دوازدهم می‌شود. به‌گواهی برخی شواهد، در پی کوشش‌های پراکنده و گهگاه برای پیشرفت علم، در قرن سوم/نهم نیز ترجمه عربی به لاتینی، هرچند اندک، صورت می‌گرفته است. وجود کتابخانه نسبتاً غنی در صومعه کاتالونیایی<sup>۴</sup> در ریپول<sup>۵</sup> که شامل ترجمه‌هایی از آثار علمی عربی بوده و نیز گزارش‌هایی درباره وجود نسخه‌ای خطی از قرن چهارم/دهم در ریپول، حاوی ترجمه دو رساله در اسطرلاب از عربی به لاتینی، سوابق ترجمه را قبل از دوره بزرگ ترجمه در قرن ششم/دوازدهم نشان می‌دهد (وات، ۱۹۷۲: ۹۸-۵۸).

طی سده‌های فرمانروایی مسلمانان (از سده دوم تا پنجم) بر بسیاری از سرزمین‌های غربی، از جمله اسپانیا (اندلس) و بخش‌هایی از ایتالیا، دانشمندان غربی با فرهنگ و تمدن و دانش مسلمانان آشنا شده و توجه‌شان به آن جلب شد. از این رو، از سده پنجم که مسیحیان مجدداً بر آن سرزمین‌ها غلبه یافتند، برای پیشرفت و توسعه فرهنگ و تمدن خود، از منابع و آثار و مراکز علمی و فرهنگی مسلمانان، به‌ویژه از مکتوبات آنان، بهره فراوانی بردند. دانشمندان غربی، علاوه بر سفر به سرزمین‌های مذکور، مهم‌ترین و اساسی‌ترین راه بهره گرفتن از علوم و معارف اسلامی را جز از طریق مدارس و مراکز اسلامی، ترجمه آثار علمی عربی می‌دانستند؛ زیرا در کتابخانه‌های اسلامی گنجینه‌های ارزشمندی از آثار علمی یونانیان که به عربی برگردانده شده بود، وجود داشت و نیز دانشمندان اسلامی در رشته‌های گوناگون (مانند فلسفه، ریاضی، نجوم و پزشکی) آثاری داشتند که بهره‌برداری از آنها سبب پیشرفت علم و تمدن غربی شد (مجتهدی، ۱۳۷۹: ۱۹۲، ۱۶۱-۱۶۰، ۷۴).

به‌طور کلی، آشنایی غربی‌ها با فرهنگ و تمدن و دانش مسلمانان ابتدا از طریق اسپانیا و سپس از طریق ایتالیا بود. دو شهر تولدو<sup>۱</sup> (طَلِیْطَلَه) و سیسیل<sup>۲</sup> (صِقِلیَه) که از اواخر سده اول/ اوایل سده هشتم، به ترتیب تا ۱۰۸۵/۴۷۸ و ۱۰۶۱/۴۵۳، در تصرف مسلمانان بود، بعد از بازپس‌گیری مسیحیان، به مراکز اصلی ترجمه متون عربی به لاتینی و دیگر زبان‌های اروپایی تبدیل شد و مترجمان بسیاری از نقاط گوناگون به این دو شهر آمدند (حایک، ۱۹۸۷: ۸-۷)؛

۳. Johannes scouts Evigena

۴. Catalanian

۵. Ripoll

۱. Toledo

۲. Sicily

فن/الشفاء(وات، همان: ۶۱-۵۹).

۲. دوره بزرگ ترجمه که شامل دو مرحله است:

الف- مرحله اول قرن ششم/دوازدهم. در این دوره نهضت ترجمه در غرب با تأسیس مراکز و گردآمدن مترجمان یهودی و مسیحی و مسلمان و حتی برخی ساکنان بومی قوت و جدیت بیشتری یافت؛ به طوری که این قرن را مرحله اول ترجمه دانسته‌اند. مهم‌ترین و فعال‌ترین مرکز ترجمه را ریموند سوتا<sup>۷</sup>، اسقف کبیر شهر تولدو، در ۱۱۳۰/۵۲۴ در این شهر تأسیس کرد و محققان را برای ترجمه متون علمی و فلسفی دعوت و تشویق کرد(حایک، همان: ۵۲؛ مجتهدی، همان: ۱۹۳؛ وات، همان: ۶۰؛ کلاستر، همان: ۲۶۴؛ عقیقی، همان: ۹۰/۱؛ کاپلستون، همان: ۲۰۵/۲). برخی فرمانروایان مسلمان در زمان فرمانروایی خود بر سرزمین‌های غربی، به سبب علاقه وافر به گردآوری کتاب، کتابخانه‌های بزرگی بنا کردند؛ از جمله کتابخانه‌المستنصر که در آن بیش از چهارصد هزار جلد کتاب عربی گردآوری شد(حایک، همان: ۵۰). پس از غلبه مجدد مسیحیان بر این سرزمین‌ها، قسمت بزرگی از کتاب‌های این کتابخانه به تولدو انتقال یافت. در آن زمان، شهر تولدو به سبب همین ویژگی و امتیاز، در مقایسه با دیگر شهرهای اسپانیا، محل مناسبی برای تأسیس مرکز بزرگ ترجمه گردید. از آن جا که در این دوره بیشترین ترجمه‌ها از عربی به لاتینی بود، قرن ششم/دوازدهم به «دوره ترجمه عربی به لاتینی» شهرت یافت(حایک، همان: ۵۱-۵۰ و ۸-۹؛ دائرةالمعارف فلسفه راتلج، ۱۹۹۸م). در همین قرن همچنین برخی مترجمان یهودی آثار علمی عربی را به عبری برگرداندند(وات، همان: ۶۳).

۷. Raymond de Sauvelat

از معروف‌ترین دانشمندان و نخستین کسانی که به اهمیت آثار علمی و فرهنگی به‌جا مانده از مسلمانان در سرزمین‌های اروپایی توجه کرد، ژربر اوورنی<sup>۱</sup> (۳۹۳-۳۲۷/۱۰۰۳-۹۳۸) بود که در ۹۹۹/۳۸۹ با عنوان سیلوستر دوم<sup>۲</sup> به مقام پاپی رسید(مجتهدی، همان: ۱۸۸، ۱۳۰؛ وات، همان: ۵۸). وی را اولین واسطه آشنایی مدارس غربی با علوم و فنون اسلامی دانسته‌اند.

ژربر اوورنی عربی را در کوردوبا<sup>۳</sup> (قُرطبه) آموخت. به دستور وی سه مدرسه آموزش زبان عربی در رم و رنس، ریمس<sup>۴</sup> و شارتر<sup>۵</sup> تأسیس شد.

وی برخی کتاب‌های ریاضی و نجوم را از عربی به لاتینی ترجمه کرد(عقیقی، ۱۹۸۰: ۱۱۰/۱؛ اعسم، ۱۹۸۹: ۱۷). مترجم دیگر قرن پنجم/یازدهم، قسطنطین افریقایی متولد کارتاژ<sup>۶</sup> (قُرطاجنه) است. او پزشکی را در جهان اسلامی آموخت و برخی از آثار پزشکی مسلمانان و نیز متون عربی ترجمه شده از رساله‌های پزشکی یونانیان را به لاتینی برگرداند. به همین سبب، وی را نخستین کسی می‌دانند که طب اسلامی را از طریق ترجمه‌های خود وارد اروپا کرد.

برخی آثاری که وی از عربی ترجمه کرده، عبارت‌اند از: قسمتی از کتاب جامع پزشکی به نام کامل الصنعة الطبية تألیف علی بن عباس مجوسی اهوازی (متوفی ۳۸۴)، فصول ابقرراط مع شروح جالینوس، کتاب العلاج العام از اسحاق اسرائیلی؛ آثاری از جالینوس مانند الصنعة الصغیرة فی آراء ابقرراط و افلاطون، شروح علی فصول جالینوس،

۱. Gerbert of Aurevigna / Aurillac

۲. Silvester II

۳. Cordoba/ Cordova

۴. Reims/ Rheims

۵. Chartres

۶. Carthage

برخی از مترجمان مشهور این دوره و ترجمه‌های آنان عبارت‌اند از:

۱- ادلارد (۵۲۹-۱۱۳۵/۴۶۳-۱۰۷۰). وی اهل بته<sup>۱</sup>، از شهرهای انگلستان و از راهبان بندیکتی بود که در تور، اسپانیا، سیسیل، یونان، مصر، لبنان و انطاکیه، علوم طبیعی و ریاضیات را فرا گرفت. او اصول اقلیدس و زیچ خوارزمی و آثار بسیاری در فلکیات و ریاضیات را ترجمه کرد. همچنین با همکاری یوحنا اشبیلی<sup>۲</sup> چهار کتاب از ابومعشر بلخی (متوفی ۲۷۲) را ترجمه کرد. به گزارش برخی منابع، وی بر عربی چندان مسلط نبوده و احتمالاً با کمک استادش، پطرس آلفونسی، ترجمه می‌کرده است (عقیقی، همان: ۱۱۲/۱-۱۱۱؛ *دائرةالمعارف فلسفه راتلج*، همان؛ حایک، همان: ۲۹۰-۲۸۷؛ یوسف کرم، ۱۹۴۶: ۹۲).

۲- یوحنا (یحیی) اسپانیایی<sup>۳</sup> یا ابن داوود<sup>۴</sup>، از مترجمان نیمه قرن ششم/دوازدهم در دارالترجمه تولدو، برخی او را همان یوحنا اشبیلی دانسته‌اند؛ اما بعضی، یوحنا اشبیلی را عضو دیگری از مترجمان تولدو معرفی کرده و وجه تمایز این دو را در این نکته دانسته‌اند که یوحنا اسپانیایی به ترجمه آثار فلسفی اشتغال داشته، ولی یوحنا اشبیلی مترجم متون علمی خصوصاً علم نجوم و احکام نجوم بوده است (یوسف کرم، همان: ۹۴؛ عقیقی، همان: ۱۱۳-۱۱۲؛ حایک، همان: ۷۱؛ نیز مجتهدی، همان: ۱۹۴). عقیقی (همان: ۱۱۲/۱) این دو را از یهودیان مسیحی شده، معرفی کرده است. به گفته وی (همان: ۱۱۴/۱)، یوحنا اسپانیایی استاد دومینیکوس گونديسالینوس<sup>۵</sup>

(دومینیکو گونديسالوی؛ متوفی ۱۱۸۱/۵۷۷) جانشین ریموند به‌عنوان اسقف تولدو بوده است. یوحنا اسپانیایی با همکاری گونديسالینوس آثار عربی را ترجمه می‌کرد؛ بدین‌صورت که وی آنها را به اسپانیایی ترجمه می‌کرد و گونديسالینوس ترجمه وی را به لاتینی برمی‌گرداند. ترجمه کتاب *النفس ابن سینا* و *عیون المسایل* فارابی به‌همین صورت بوده است (همان‌جا؛ حایک، همان: ۵۸۵، ۷۹، ۶۴؛ *دائرةالمعارف فلسفه راتلج*، همان).

یوحنا همچنین آثاری را به تنهایی از عربی به لاتینی ترجمه کرده است. از جمله کتاب *السیاسة* از ارسطو؛ کتاب *منحول* ارسطویی، *الایضاح فی الخیر المحض*، مشهور به *العلل* که در اصل از *تبرقلس* (پروکلوس) است؛ کتاب *الجبر خوارزمی*؛ برخی آثار ابن‌سینا از قبیل *فی النبات*، *کلیات*، *فن اول طبیعیات* [شفا] و *منطق*؛ *السماء و العالم* حنین‌بن اسحاق (کاپلستون، همان: ۲۰۵/۲؛ عقیقی، همان: ۱۱۲/۱؛ حایک، همان: ۷۰، ۶۷، ۶۵، ۶۴).

۳- یوحنا اشبیلی: درباره وی اطلاع چندانی در دست نیست. یوحنا اشبیلی چهار کتاب ابومعشر بلخی را با همکاری ادلارد ترجمه کرد و *المدخل الی علم هیئة الافلاک و الموجز فی الفلک* (هر دو از فرغانی) و *احصاء العلوم* فارابی (متوفی ۳۳۹) را با کمک گِراردوس (ژرار) کرمونایی<sup>۶</sup> ترجمه نمود. وی همچنین *رسالة فی الاسطرلاب* از *مسلمة بن احمد مجریطی* (متوفی ۳۹۸) و کتاب *فی آلات الساعات* از ثابت بن قُرّه (متوفی ۲۸۸) را به تنهایی ترجمه کرد (عقیقی، همان: ۱۱۳/۱-۱۱۲).

۴- دومینیکوس گونديسالینوس، پیشوای دینی

۱. Adelard of Bath

۲. Joha of Seville

۳. Joannes (Joha) Spanish

۴. Avendauth (Juan Abendaud)

۵. Dominicus Gundissalinus

۶. Gerardus Cremonensis

آورد، به مقابله آنها پرداخت و اغلب اصطلاحات فنی را، با تأمل در کاربرد عربی آنها، هماهنگ و یکدست کرد. چنانچه متن اصلی به عربی بود، ترجمه لاتینی اولیه را بازبینی می‌کرد و عباراتی را که تلخیص یا حذف شده بود، به جای خود می‌گذاشت و بدین ترتیب، ترجمه‌ها را تصحیح می‌کرد.

وی علاوه بر ترجمه متون ارسطویی از عربی به لاتینی، تفسیرهایی را که به یونانی بودند مانند شرح *تامسطیوس (تمیستیوس)*<sup>۲</sup> بر تحلیلات ثانی ارسطو یا به عربی بودند، مانند *تفسیر فارابی بر طبیعیات*، ترجمه می‌کرد تا در کنار متن ترجمه شده خود قرار دهد و از این طریق به فهم مطلب کمک کند.

گراردوس کرمونایی در معرفی ارسطوی لاتینی نقشی اساسی داشت (کاپلستون، همان: ۲۰۶/۲-۲۰۵). مهم‌ترین ترجمه‌های او ترجمه آثار ارسطو بوده که از آن جمله است: *تحلیلات ثانی* همراه با شرح *تامسطیوس، السماع الطبیعی* و شرح *فارابی* بر آن، *درباره کون و فساد*، کتاب اول تا سوم از *کانی‌شناسی، الآثار العلویة و مابعدالطبیعة*. برخی از دیگر ترجمه‌های او عبارت‌اند از: *قانون ابن سینا* در طب؛ *المجسطی بطلمیوس*؛ برخی رسائل کندی مثل *رسالة العقل والمعقول، رسالة فی ماهیة النوم و الرؤیا، رسالة الماهیات الخمس*؛ کتاب *المناظر* تألیف ابن هیثم (متوفی ۴۳۰)؛ چهار رساله کوتاه در علوم طبیعی از اسکندر آفرودیسی<sup>۳</sup>؛ *رسالة فی حساب الجبر و المقابله* از محمد خوارزمی (متوفی ۲۳۲)؛ *الموجز فی الفلک* از فرغانی و کتاب *منحول ارسطویی العلل* (*دائرة المعارف فلسفه راتلج*، ذیل «Islamic Gerard of Cremona philosophy» کاپلستون،

سگویا<sup>۱</sup> (بریه، ۱۳۷۷: ۱۸۱). وی از مشهورترین مترجمان آثار فارابی و ابن سینا به‌شمار می‌آید (مجتهدی، همان‌جا) و آثاری را با همکاری یوحنا اسپانیایی ترجمه کرد. برخی از ترجمه‌های او بدین ترتیب است: *احصاء العلوم*، بخش‌هایی از منطق و *الاهیات شفا* از ابن سینا، *رسالة العقل و المعقول* ابویوسف یعقوب کندی، *مقاصد الفلاسفة و تهافت الفلاسفة* از محمد غزالی (متوفی ۵۰۵)، *ینبوع الحیة* ابن جبرول (متوفی ۱۰۵۸؛ عقیقی، همان: ۱/۱۱۴).

۵- گراردوس (زرار) کرمونایی (۵۸۲-۵۰۸/۱۱۸۷-۱۱۱۴)، از راهبان بندیکتی اهل ایتالیا و از مهم‌ترین و پرکارترین مترجمان آثار فلسفی از عربی به لاتینی. وی برای دستیابی به منابع عربی به‌آموختن زبان عربی پرداخت و به تولدو رفت. پس از آن تمامی هم‌خود را به مصنفات عربی معطوف کرد. در آنجا به کتاب *المجسطی* و آثاری در سایر علوم دست یافت. در مدت قریب به چهل سال حدود هشتاد کتاب ترجمه کرد. گفته‌اند که وی در ابتدا با کمک برخی از مستعربین ترجمه می‌کرد، اما پس از کسب مهارت، به‌تنهایی به ترجمه از عربی به لاتینی در تمامی شاخه‌های دانش از قبیل فلسفه، منطق، طب، ریاضیات، نجوم و نورشناسی پرداخت (*دائرة المعارف فلسفه راتلج*، ذیل «Gerard of Cremona Islamic philosophy»؛ حایک، همان: ۹۲-۹۱ و ۸؛ عقیقی، همان: ۱/۱۱۵). ترجمه‌های او از حیث وفاداری به متن عربی قابل توجه‌اند.

وی تا حد امکان ساختار دستور زبان و واژگان عربی را حفظ می‌کرد. حتی پس از آن که نخستین ترجمه‌های لاتینی را از برخی متون یونانی به دست

۲. Themistius

۳. Alexander of Aphrodisias

۱. Segovia، واقع در مرکز اسپانیا.

در آغاز، کار ترجمه متون یونانی و عربی به سبب مهارت نداشتن مترجمان در زبان عربی و دشواری موضوع‌ها و وجود اصطلاحات دشوار و پیچیده، کاری سخت بود و به کندی پیش می‌رفت.

ترجمه‌ها غالباً تحت‌اللفظی بود و هرگاه معنای کلمه‌ای ناشناخته بود، عین همان کلمه را به حروف لاتینی می‌نوشتند. از این رو در قرن هفتم/سیزدهم که مترجمان مهارت بیشتری در زبان عربی یافتند و نیز امکان استفاده مستقیم از آثار به زبان یونانی فراهم آمد، در بعضی از ترجمه‌های قبلی تجدید نظر شد (مجتهدی، همان: ۱۹۳؛ کرومبی، ۱۳۷۱: ۴۴-۴۳).

ب- مرحله دوم از قرن هفتم/سیزدهم به بعد. در این دوره فعالیت‌های ترجمه زیر نظر آلفونس (آلفونسوی) دهم (۶۸۲-۶۱۸/۱۲۸۴-۱۲۲۱)، از حاکمان اسپانیا، ملقب به حکیم، ادامه یافت. وی می‌خواست در اهتمام به کار ترجمه از مأمون عباسی پیروی کند، از این رو مترجمان بسیاری را از مسلمان و یهودی و مسیحی به دربار خود خواند.

برخی گفته‌اند که وی پنجاه مترجم برای ترجمه کتاب بطلمیوس دعوت کرد و خود ریاست آنها را برعهده گرفت. وجه تمایز این دوره با دوره قبل این است که دوره اول به «ترجمه از عربی به لاتینی»، اما این دوره به «ترجمه از عربی به اسپانیایی و رومی» شهرت یافت. مترجمان دربار آلفونس دهم زبان لاتینی را به خوبی نمی‌دانستند، از این رو ترجمه به رومی و اسپانیایی مورد توجه قرار گرفت و گاه متن‌های ترجمه شده به اسپانیایی، به لاتینی و فرانسوی هم ترجمه می‌شد. همچنین در دوره اول، بیشتر ترجمه آثار فلسفی مورد توجه بود، اما در دوره دوم، به شاخه‌های دیگر دانش، از قبیل علم فلک و نجوم و حساب و آثار ادبی و داستانی مانند کلیله و

همان: ۲۰۶/۲؛ عقیقی، همان: ۱۱۵/۱؛ حایک، همان: ۵۸۸-۵۷۷).  
۶- ابراهیم بن عزرا معروف به ابن عزرا (۴۸۴-۱۱۶۷/۵۶۲-۱۰۹۰) وی از نخستین مترجمان آثار عربی به عبری بود و سبب گسترش اندیشه و دانش مسلمانان و یهودیان مشرق‌زمین در میان یهودیان اروپایی شد.

ترجمه شرح بیرونی بر زیج خوارزمی از عربی به عبری یکی از مهم‌ترین کارهای اوست. وی همچنین دو رساله در احکام نجوم ترجمه کرد. به نوشته برخی منابع، ترجمه‌ها و نوشته‌های ابن عزرا در علم نجوم، موجب آشنایی دانشمندان اروپایی با دانسته‌ها و دستاوردهای منجمان و ریاضیدانان مسلمان و عرب‌زبان گردید (عقیقی، همان: ۹۵؛ وات، همان: ۶۳؛ دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ذیل «ابن عزرا»؛ نیز حایک، همان: ۵۶۳-۵۶۲).

برخی دیگر از مترجمان این دوره عبارت‌اند از: رابرت چستری<sup>۱</sup> (روبرتوس کتنسیس/رابرت کتونی) که به تشویق و اهتمام پطرس مکرم<sup>۲</sup>، نخستین بار قرآن را به لاتینی ترجمه کرد، افلاطون تیولی (پلاتوی تیولیایی/پلاتوی تیوری)<sup>۳</sup>، آلفرد ساراشل<sup>۴</sup>، ردولف بروژی/بروجی<sup>۵</sup>، هوگو سانتالا<sup>۶</sup> و پدرو آلفونسو<sup>۷</sup> مترجم قصه‌های شرقی به لاتینی (حایک، همان: ۲۳۴، ۲۲۰، ۲۱۱، ۲۰۸؛ عقیقی، همان: ۱/ ۱۲۱، ۱۱۴-۱۱۳، ۱۱۱).

از سده پنجم تا هفتم/یازدهم - سیزدهم، جریان ترجمه به لحاظ کمی و کیفی وسیع‌تر شد؛ به طوری که بسیاری از کتاب‌ها و رساله‌های علمی و فلسفی یونانیان و مسلمانان از عربی به لاتینی ترجمه شد.

۱. Robert of Chester (Ketenensis)  
۲. Peter the Venerable  
۳. Plato di Tivoli/ Plato Tiburtinus  
۴. Alfred de Sarashel  
۵. Rodolphum Brugensem  
۶. Hugo Santalla  
۷. Pedro Alfonso

۱- مایکل (میخائیل) اسکات (۵۸۶ یا ۵۷۶-۱۱۸۰/۶۳۲ یا ۱۲۳۵-۱۱۹۰). از برجسته‌ترین مترجمان و دانشمندان دوره خود بود و در آکسفورد و پاریس تحصیل کرد. اسکات حلقه اتصال ترجمه در دربار فردریک دوم و مرکز بزرگ ترجمه در تولدو به‌شمار می‌رفت.

او به زبان‌های یونانی، عربی، عبری و کلدانی به خوبی آشنا بود. سال‌ها در تولدو به ترجمه عربی به لاتینی و گاه عبری به لاتینی مشغول بود. در ۱۲۲۷/۶۲۴ به سیسیل، دربار فردریک دوم رفت و منجم او شد.

ترجمه‌های او عبارت است از: کتاب *الهیة بطروجی* (متوفی ۵۸۱)؛ کتاب *الحيوان* ابن سینا که آن را به فردریک دوم هدیه کرد؛ و برخی آثار ارسطو مانند کتاب *الحيوان*، کتاب *النفس*، *فی السماء و العالم* و *مابعدالطبیعه*. در برخی منابع، ترجمه تفسیرهای مفصل ابن‌رشد را بر این آثار ارسطو به وی نسبت داده‌اند. بعضی محققان ترجمه‌های او را سرآغاز مطالعه عمیق متون ارسطویی دانسته‌اند. وی همچنین با همکاری تئودور انطاکی آثار عربی در جانورشناسی را برای فردریک دوم ترجمه کرد (کاپلستون، همان: ۲۰۶/۲). ۲- راجر بیکن<sup>۱</sup> (۶۹۱-۱۲۹۲/۶۱۱-۱۲۱۴). وی راهبی فرانسیسکنی، معاصر آلفونس دهم و از فیلسوفان قرون وسطا بود.

بیکن شیفته فرهنگ عربی بود و در مقایسه با دوره رومی (حکومت رومیان) و فرهنگ رومی در غرب، دوره عربی لاتینی و فرهنگ عربی حاکم بر این دوره را ستایش می‌کرد. وی *مرآة‌الکیمیا* و *سرالاسرار* را ترجمه کرد (حایک، همان: ۱۱۹؛ عقیقی، همان: ۱۲۱/۱).

دمنه و هزار و یک شب، توجه شد. وجه تمایز دیگر آن است که در دوره اول، سلطه دینی و نظارت روحانیان مسیحی بر جریان نهضت ترجمه حاکم بود، اما در دوره دوم سلطه سیاسی پادشاهان جای آن را گرفت (حایک، همان: ۱۲۶-۱۲۴، ۱۲۰-۱۱۹، مقدمه ۸-۹). در مرحله دوم از دوره بزرگ ترجمه، تولدو همچنان مرکز اصلی ترجمه و مورد توجه دانشمندان و مترجمان بود. در سیسیل نیز ترجمه متون علمی به عربی، خصوصاً متون فلسفی و نجومی، به دستور و حمایت و تشویق فردریک دوم (۶۴۷-۵۹۰/۱۲۵۰-۱۱۹۴)، پادشاه ایتالیا، انجام می‌گرفت (عزیز احمد، ۱۳۶۲: ۱۴۱-۱۴۰).

از اواخر قرن هفتم/سیزدهم به بعد، جریان ترجمه از اسپانیا به دیگر مناطق اروپا، مانند جنوب فرانسه، منتقل شد. به دلیل مهاجرت یهودیان آل‌طوبون/طیبون از گرانادا (غرناطه) به جنوب فرانسه، ترجمه از عربی به عبری نیز رواج یافت (حایک، همان: ۱۴).

به گزارش برخی منابع، محققان یهودی از اوایل قرن هفتم/نیمه اول قرن سیزدهم به ترجمه و شرح متون عربی پرداختند؛ چنانکه ۳۸ اثر از تفسیرهای ابن‌رشد (متوفی ۵۹۵) به عبری ترجمه شد.

نخستین آنها تفسیر متوسط ابن‌رشد بر کتاب *العبارة* است که یعقوب اهل آناتولی آن را در دربار فردریک دوم در سیسیل ترجمه کرد. از آن پس در سده هفتم و هشتم/سیزدهم و چهاردهم، چندین مترجم یهودی در جنوب فرانسه و کاتالونیا و ایتالیا تفسیرهای ابن‌رشد و آثاری دیگر را به عبری ترجمه کردند. از اواخر سده هفتم/سیزدهم به بعد، بیشترین ترجمه‌های متون عربی به لاتینی از روی ترجمه‌های عبری آنها صورت گرفت.

برخی از مترجمان مشهور این دوره عبارت‌اند از:

۱. Roger Bacon

از دیگر مترجمان این دوره در اسپانیا که زیر نظر آلفونس دهم کار می‌کردند، یوحنا طلیطلی، فرناندو طلیطلی، رونالدو اربی، ابراهیم بُرغُشی، یهوذا بن موسی معروف به حکیم قُرطُبی، ساموئیل طلیطلی بودند (برای اطلاع بیشتر دربارهٔ آنان و دیگر مترجمان رک: حایک، همان: ۱۳۳-۱۲۵). تئودور انطاکی، فیلسوف دربار فردریک دوم که تلخیص ابن‌رشد را ترجمه کرد و ویلیام اهل لونا که احتمالاً از مترجمان دربار فردریک دوم بود، نیز از مترجمان این دوره در ایتالیا بودند. ویلیام تفسیرهای متوسط ابن‌رشد بر ایساغوجی فرفورویوس و بر مقولات و عبارات ارسطو را ترجمه کرد (دائرةالمعارف فلسفه راتلج، ذیل Islamic philosophy).

به‌رغم ارتباط بی‌واسطه با عالم و فرهنگ و تمدن یونانی و آغاز مجدد ترجمه از یونانی به لاتینی از نیمهٔ دوم سدهٔ هفتم/سیزدهم، کار ترجمه از عربی، هرچند نه به میزان گذشته، همچنان ادامه داشت (حایک، همان: ۱۳). از مترجمان سدهٔ هشتم/چهاردهم، آرنالدو ویلانواوی<sup>۲</sup> است که *اسرار الکیما* اثر محمدبن زکریا رازی، پنج کتاب از کندی، *رسائل* از قُسطابن لوقا (متوفی ح ۳۰۰) و ابن‌سینا و کتاب *الصیلة* از ابوالصلت دانی و سه کتاب از جالینوس را از عربی ترجمه کرد (عقیقی، همان: ۱۲۱). در سدهٔ نهم/پانزدهم، توجه مجدد به متون کهن، محققان را به جستجوی دقیق‌ترین تفسیرهای این متون وادار ساخت؛ از این رو محققان یهودی نیز برخی از آثار ابن‌سینا و به‌ویژه ابن‌رشد را مجدداً ترجمه کردند. از اوایل قرن دهم/شانزدهم، متون فلسفی عربی بار دیگر مستقیماً به لاتینی ترجمه شد. به‌سبب توجه به این امر، آموزش عربی در غرب

۳- هرمان آلمانی<sup>۱</sup> (هرمان دالماسیایی). وی از مترجمان تولدو بود و در ترجمه، از برخی فلاسفهٔ مسلمان، مثل ابن‌باجه (متوفی ۵۳۳)، کمک می‌گرفت. ترجمه‌های او عبارت‌اند از: *خطابه، شعر، اخلاق نیکوماخوسی* و *کتاب السیاسة*، همگی از ارسطو. از مقدمهٔ هرمان بر ترجمهٔ کتاب شعر ارسطو، برمی‌آید که او *ارغنون*، کتاب منطق ارسطو را به‌طور کامل ترجمه کرده است. شرح فارابی بر کتاب *خطابهٔ ارسطو*، *تفسیرهای متوسط ابن‌رشد بر خطابه و شعر و اخلاق نیکوماخوسی ارسطو* و *گزیده‌هایی از خطابهٔ ابن‌سینا و خطابهٔ فارابی* از دیگر ترجمه‌های اوست (کاپلستون، همان‌جا؛ حایک، همان: ۱۵۹-۱۵۷).

۴- ابراهیم طَلِیْطَلِی، معروف به حکیم. وی را ابراهیم یهودی اسپانیایی نیز نامیده‌اند. برخی از ترجمه‌های اوست: *هیأة العالم* ابن‌هیثم که آن را با تصرف بسیار با عنوان *السماء و العالم* از عربی به اسپانیایی ترجمه کرد و یعقوب بن ماهر آن را به عبری و سپس ابراهیم بلمسی آن را از عبری به لاتینی برگرداند؛ *الاسراء و المعراج* یا *معراج محمد(ص)* که آن را به دستور آلفونس دهم از عربی به اسپانیایی ترجمه کرد و به واسطهٔ آن مورد تشویق و تمجید وی قرار گرفت؛ *صحیفة الزرقالی* که ترجمهٔ کتاب *الاسطرلاب* زرقالی است (حایک، همان: ۱۲۸-۱۲۹).

۵- موسی بن طبون، از مترجمان یهودی که برخی متون عربی را به عبری ترجمه کرد. از جمله ترجمه‌های او، *اصول اقلیدس*، *قانون‌الصغیر ابن‌سینا*، *تریاق رازی*، برخی از تألیفات ابن‌میمون (متوفی ۶۰۱) و برخی شروح مختصر ابن‌رشد بر آثار ارسطوست (حایک، همان: ۵۶۰؛ عقیقی، همان: ۹۵/۱).

۲. A. Villeneuve

۱. Hermann the German



قیقی، نجیب. (۱۹۸۰-۱۹۸۱م). *المستشرقون*.  
 قاهره: بی‌نا.  
 کرومبی، آلیستر کامرون. (۱۳۷۱ش). *از اوگوستن  
 تا گالیله*. ج ۱. ترجمه احمد آرام. تهران: بی‌نا.  
 لیدنبرگ، دیوید. (۱۳۷۷ش). *سرآغازهای علم در  
 غرب*. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: بی‌نا.  
 مجتهدی، کریم. (۱۳۷۹ش). *فلسفه در قرون  
 وسطی*. مجموعه مقالات. «مدارس و دانشگاه‌های  
 اسلامی و غربی در قرون وسطی». زیر نظر کریم  
 مجتهدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات  
 فرهنگی.  
 یوسف، کرم. (۱۹۴۶م). *تاریخ الفلسفة الاوربیه فی  
 العصر الوسیط*. قاهره: بی‌نا.

Jill N, Claster. (۱۹۸۲). *The medieval  
 experience*. ۳۰۰-۱۴۰۰. New York.

Frederick, Charles Copleston. (۱۹۷۶). *A  
 history of philosophy*. vol.۲: Augustine to  
 Scotus. London.

Edward Craig, ed. (۱۹۹۸). *Routledge  
 encyclopedia of philosophy*. London:  
 Routledge, s.vv. «Gerard of Cremona» (by  
 Mark D. Jordan).

Charles, Burnett. «Islamic philosophy:  
 transmission into western Europe». Translators (by Jozef Brams).

William, Montgomery Watt. (۱۹۷۲). *The  
 influence of Islam on medieval Europe*.  
 Edinburgh.

پایه‌گذاری شد و با تأسیس کرسی‌های زبان عربی در  
 دانشگاه‌های اروپایی - و در نتیجه سهولت استفاده از  
 متون عربی - تفکر اسلامی دوباره مورد توجه قرار  
 گرفت که این جریان تا به امروز هم ادامه داشته  
 است. با ظهور صنعت چاپ، انتشار ترجمه‌های  
 لاتینی از منابع عربی خصوصاً در سده نهم و  
 دهم/پانزدهم و شانزدهم بیشتر شد.

### منابع

اعسم، عبدالامیر. (۱۹۸۹). *الاستشراق الفلسفی و  
 انتقال الفلسفیه العربیه الی اللاتین فی العصر الوسیط*.  
 الاستشراق. ش ۳.

بریه، امیل. (۱۳۷۷ش). *تاریخ فلسفه: قرون  
 وسطی و دوره تجدد*. ترجمه و تلخیص یحیی  
 مهدوی. تهران: بی‌نا.

حایک، سیمون. (۱۹۸۷م). *تعربت... و تعربت، او  
 نقل الحضارة العربیه الی الغرب*. لبنان: بی‌نا.

رازپوش، شهناز. (۱۳۶۷ش). *دائرة المعارف بزرگ  
 اسلامی ذیل «ابن عزرا»*. زیر نظر کاظم موسوی  
 بجنوردی. تهران: دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

سوازه، ژان. (۱۳۶۶ش). *مدخل تاریخ شرق  
 اسلامی*. ترجمه نوش‌آفرین انصاری (محقق). تهران.

عزیز، احمد. (۱۳۶۲ش). *تاریخ سیسیل در دوره  
 اسلامی*. ترجمه نقی لطفی و محمدجعفر یاحقی. تهران: بی‌نا.